



نفی جبر به برکت عقل رندانه

ع. روح‌بخشان

اخلاقیات، مفاهیم اخلاقی در ادبیات فارسی از سده چهارم تا سده هفتم هجری. شارل-هانری، دوفوشه‌کور. پاریس. انجمن ایرانشناسی فرانسه. مجموعه «گنجینه نوشته‌های ایرانی». شماره ۳۲. ۱۳۶۶/۱۹۸۷. ۵۱۴+ شش صفحه.

به این مسأله هم هنوز آنچنانکه شایسته است پاسخ داده نشده که چه انگیزه یا نیازی سبب پیدایی این همه متون گوناگون اخلاقی شده است: آیا سرزمین ایران سراسر خاستگاه حکیمان و فرزندان بوده و فرزندان این آب و خاک فی‌الجمله از حکمت و فرزندی برخوردار بوده‌اند؟ و آیا هر حکیمی، همچون هر مجتهدی، خود را ملزم به نوشتن یک رساله در اخلاق می‌دیده است؟ و یا اینکه انحطاط فکری و انحرافات اخلاقی در همه جا و همه اعصار چندان همه‌گیر و گسترده و ریشه‌دار بوده است که در هر عصر و هر اجتماع و هر شهری دانشمندان و حکیمان ناگزیر بوده‌اند یک دسته اصول اخلاقی را- البته به صورتهای متفاوت- مرتباً تکرار کنند؟ پاسخ این پرسشها هرچه باشد از این نکته نمی‌توان به‌سادگی گذشت که این متون اخلاقی در فرهنگ ما ریشه دیرینه دارند و سابقه آنها به قرن‌ها پیش از اسلام می‌رسد. برشردن این متون به دلیل وجود نسخه‌های خطی دشوار است، و از آن دشوارتر بررسی دقیق و عمیق آنها است که خود محتاج به حوصله و دقت بسیار است. دشواری این بررسی از این جهت است که این متون از یک سو ریشه در فرهنگ ایران پیش از اسلام دارند، و از دیگر سو با زبان عربی و متون اسلامی مشابه پیوند سخت خورده‌اند و سرانجام آثاری از مشابهتها و روابط با فرهنگ یونانی در خود دارند. از اینها گذشته میان اخلاق به‌معنای فلسفی آن (علم اخلاق) و اخلاق در مفهوم سنتی آن (اخلاقیات) هم تفاوت بسیار وجود دارد و هم تداخل فراوان، و شناخت این

اخلاق و اخلاقیات یکی از قلمروهای اساسی فرهنگ ایرانی به‌زبان فارسی است. سبب اینکه اخلاق از چنین منزلتی در جامعه ایرانی برخوردار شده به‌خوبی دانسته نیست و هنوز هیچ مطالعه جدی و جامعی در این زمینه انجام نگرفته است. این وضع نتیجه کدام دسته از شرایط و روابط اقلیمی، جغرافیایی، اقتصادی، روانی، دینی، تاریخی، و انسانی است؟ این همه توجهی که در طول تاریخ ایران به اخلاق و موضوعات اخلاقی شده است از کجا سرچشمه می‌گیرد: از روح لطیف و پاک نهاد و ایمان عمیق قوم ایرانی، یا از وضعیت کویری، کمبود آب و بارندگی، خشکسالیها و قحط و غلاهای پیاپی، بیماریهای واگیردار، یا از یورشهای اقوام بیگانه و کشتارها و ویرانیهایی که به‌دنبال داشته‌اند، از حرکت‌های مداوم جمعیت از نقطه‌ای به‌نقطه دیگر به‌صورت کوچهای اجباری، از لشکرکشیهای برون‌مرزی شاهان و زورمندان، از جنگهای داخلی، یاغیگریها و چپاولهای ایلیاتی، ستمگریها و فشارهای دولتمردان و حاکمان، شورشهای مردمی، یا از همه اینها و همچنین از عوامل دیگر؟ هیچ دانسته نیست که چه عامل مشخصی سبب پیدایی این روحیه اخلاقی و راه و رسم زندگی در جامعه ایرانی شده است. آنچه مسلم است بازتاب این عوامل و عوارض و روحیه اخلاقی در ذخایر ادبی و فرهنگی و صدها و هزاران رساله و کتاب فارسی است که خود مجموعه‌ای عظیم و غنی و بی‌نظیر از اخلاقیات را پدید آورده و جانمایه یک سنت زنده و پویا شده‌اند.

دست است. صرف نظر از آنچه در شاهنامه به بوذرجمهر نسبت داده شده، ظفرنامه هم از سخنان آن حکیم دانسته شده است.

□ اندرنامه‌های یونانی (منتسب به ارسطو و اسکندر، افلاطون و ادریس). در اندرنامه‌های فارسی جای عمده‌ای به فلاسفه یونان داده شده است که بخش عمده آن به روابط ارسطو و اسکندر مربوط می‌شود. در اینجا پیوندهایی میان سنت‌های یونانی، عربی و ایران ساسانی به چشم می‌خورد که در خردنامه، و فارسنامه منتسب به ابن بلخی و نامه تنسر بازتاب یافته‌اند. يك نسخه خطی متعلق به اوایل قرن هفتم که پندنامه ارسطو طاليس به اسکندر نام دارد این ارتباط را بهتر نشان می‌دهد. اما جالب‌تر اینست که پیوند ارسطو و اسکندر در شاهنامه و دیگر آثار آن عهد مانند الفرر ثعالبی انعکاس یافته است. بگذریم از شرفنامه نظامی که بخش عمده آن مربوط به این قضیه است.

اما اندرهای افلاطون بیشتر به صورت گفتارهای گزیده و کوتاه، و از راه متون عربی مانند مختار الحکم مبشر بن فاتک به زبان فارسی رسیده‌اند و مخصوصاً به دست خواجه نصیر طوسی از طریق اخلاق ناصری در فارسی جای مناسبی یافته‌اند.

همین مقام را ادریس (هرمس) هم دارد که به قول سهروردی «پدر حکما» و به گفته نظامی «نخستین فیلسوف عاقل یونان و کاشف اسرار مردان خدا» بوده است و سخنان منتسب به او در متون مختلف، منجمله ینبوع الحیاة بابا افضل کاشانی منعکس شده است.

□ اندرهای اردشیر که میوه يك سنت ادبی کهن است. در اندرنامه‌های منتسب به او، نه بر جنبه تاریخی حکومتش بلکه بر جنبه‌های معنوی شخصیت او (تبارزاده، رفتار نمونه و ترویج دانش) تأکید می‌شود و به صورت کارنامه اردشیر بابکان درمی‌آید که بازتاب آن در آثار طبری، دینوری، فردوسی و دیگران دیده می‌شود. در عوض، عهد اردشیر، که در نهایت منتسب به اصمعی حفظ شده و به عربی است، خیلی بیشتر از کارنامه جنبه اخلاقی دارد و از قرائن برمی‌آید که فردوسی بدان آگاهی و دسترس نداشته است.

نامه تنسر و نیز آیین اردشیر در تدبیر ملك و خطبه اردشیر هم به اردشیر نسبت داده می‌شوند هر چند که ممکن است که اثر شاهان بعد از او- که به پیروی از سر سلسله خود چیزهایی نوشته بوده‌اند- باشند.

□ چند مجموعه کهن دیگر منتسب به شخصیت‌های حقیقی یا افسانه‌ای وجود دارد مانند پندنامه (ماتریدی)، آفرین‌نامه یا نامه آفرین (ابوشکور) که بخش عمده آن در تحفة الملوك حفظ شده است و نیز پندهای لقمان که در قرآن نمونه اعلاى عاقلی و مظهر ادای تکلیف انسان نسبت به پدر و مادر توصیف شده است، و

تفاوتها و تداخلها و تعیین درجه و میزان و نوع آنها بردشواری کار می‌افزاید. و لذا پرداختن به این کار عظیم مستلزم همت والا، دلبستگی ژرف، روش درست، کار اصولی و حوصله بسیاری است که خوشبختانه همه آنها در مؤلف کوشا و تیزبین و ژرف نگر کتاب حاضر جمع بوده و به تدوین و انتشار کتابی انجامیده است که در نوع خود بی نظیر و بسی شایان تقدیر است.

کتاب از يك مقدمه، پنج باب، و چندین پیوست و فهرست تشکیل شده است:

● مقدمه (صفحه ۵ تا ۱۸) به ارائه موضوع کار، تعریف و تعیین حدود آن، دلایل انتخاب آن و ملاحظات رسم الخطی و آوانویسی اختصاص دارد.

● باب اول، مجموعه‌های قدیمی اندرهای اخلاقی (صفحه ۱۹ تا ۱۳۱).

□ آغاز سخن در اینکه شکل ابتدایی ادبیات اخلاقی فارسی صورت مجموعه‌های اندرز یا اندرنامه دارد که البته در ادبیات مشرق زمین از سابقه‌ای کهن برخوردار است. اندرز یا پند یا نصیحت واحد اساسی شکل دهنده مجموعه است که از نظر کسانی که آن را به کار می‌گیرند قدرت سازنده در زندگی اخلاقی دارد. این نوع ادبی، هر چند که دارای جنبه کاملاً سنتی است ولی در انتقال آن کمتر توجهی به مرزهای زمانی، مکانی یا فرهنگی می‌شود. چنین است که سخنان (و رفتار) فلان حکیم از بهمان فیلسوف دانسته می‌شود، و اگر نه شخصیت که دست کم گفتار کسانی همچون انوشیروان، بزرگمهر، اسکندر، ارسطو، اردشیر، شاپور، بقراط، هوشنگ، افلاطون، سقراط، ادریس، ماتریدی و لقمان و غیره در هم آمیخته شده و از آن مجموعه‌های گوناگون فراهم آمده است:

□ خردنامه از مقالات حکما که تاکنون دست کم هفده نمونه متفاوت از آن در حجم‌های مختلف شناخته و احصا شده است.

□ اندرهای انوشیروان که از آن مجموعه‌ها یا بخش‌های پراکنده‌ای به زبانهای پهلوی، عربی و فارسی و به نامهای گوناگون (اندرنامه، پندنامه، نصیحت‌نامه) وجود دارد و بخش عمده‌ای از آن به شاهنامه فردوسی راه یافته است.

□ اندرهای بوذرجمهر که چند نمونه از مجموعه‌های آن در

کند و لذا ناگزیر می‌گردد که فهرستی از مفاهیم اخلاقی یعنی خوبیها و بدیها را در زیر آن عنوانها ردیف نماید. گاهی هم که این محدودیت کمی وجود ندارد، محدودیت کیفی بروزی کند که ناشی از «تداخل متون» است. یعنی آنچه از دیگران در حافظه مؤلف (یا راوی) یافت می‌شود با آنچه منحصرأ فرآورده ذهن خود اوست در هم می‌آمیزد. این است که کار محقق برای شناسایی متون و دسته‌بندی آنها بس دشوار می‌شود. مخصوصاً که گاهی يك متن، هر چند اخلاقی، بُرد صرفاً اخلاقی ندارد بلکه بازتاب وضع زندگی اجتماعی و نوعی بیماری ناشی از رشد اقتصادی است (البخلاء جاحظ در آنچه به مردم مرو نسبت می‌دهد).

□ اما آنچه تا اندازه‌ای کار پژوهش را آسان می‌کند این است که در تنظیم و تدوین متون اخلاقی در بخشی از این دوره یعنی تا روزگار فردوسی، هنوز تأثیر سرمشقه‌های عربی به قوت خود باقی است و مخصوصاً السعادة والاسعاد ابوالحسن عامری و تحسین القبيح و تقبيح الحسن تعالبي و تنبيه الغافلين ابواللیث سمرقندی که نمایانگر سه جریان ادبی جداگانه‌اند، مورد استفاده بسیار بوده‌اند.

□ لذا با نگاهی به نمای کلی اخلاقیات مندرج در متون فارسی که از این منابع عظیم اسلامی و نیز فرهنگ غنی ایرانی نشأت می‌گیرد، درمی‌یابیم که اخلاقیات به آنچه تاکنون گفته شد محدود نمی‌شود بلکه در واقع قلمرو آن سراسر ادبیات فارسی را در بر می‌گیرد. این متون شاید از لحاظ محتوا تازگی ندارند لکن از این جهت که در طول زمان در آنها به دسته‌بندی موضوعی (و تاریخی) اخلاقیات و نیز گزینش اندرزها توجه می‌شود، درخور ملاحظه هستند. از این پس اندرزنامه‌ها دیگر مجموعه‌هایی از افراد یا نسلهای گمنام یا خیالی نیستند بلکه نشانه هویت و شخصیت مؤلف مشخص می‌باشند.

در این میان اخلاق محتشمی خواجه‌نصیرالدین طوسی جایگاه ویژه‌ای دارد، زیرا سرآغاز نوعی خاص در نگارش و تدوین اندرزنامه‌هاست. هر چند که محتوای ابواب چهل‌گانه این کتاب از کتب عربی و فارسی دیگر گرفته شده است لیکن يك چکیده‌گزیده و پرمایه، و نشانه کوششی بزرگ برای طبقه‌بندی موضوعات اخلاق سنتی است. این کتاب از لحاظ صحت و جامعیت تعاریف بر اخلاق ناصری برتری دارد.

□ پس از این به مجموعه‌هایی می‌رسیم که مانند بخشی از جامع‌العلوم فخررازی (موسوم به «علم‌الامثال»)، در آنها موضوعات (که مرکب از کلمات قصار و امثال و حکم است و گاه در آنها نثر و نظم به هم آمیخته است) بر حسب الفبا تنظیم شده‌اند. و یا قرّة العین که محتوای آن، هر چند قرآنی و طبقه‌بندی شده است، از «زبان مردم» گرفته شده و لذا در نوع خود بی‌نظیر

همین نکته اخیر سرچشمه فصل مشبعی در ادبیات اخلاقی فارسی است. آنچه به لقمان نسبت داده می‌شود حکم لقمانی است که ابن‌قتیبه بخشی از آنها را در عیون‌الاخبار آورده است و ابن‌مسکویه و مبشر بن فاتک هم به مجموعه‌هایی از اندرزهای او اشاره کردند و غزالی در نصيحة الملوك تصریحاً از آن نام برده است.

در این میان مجموعه‌هایی وجود دارد که تعیین قدمت آنها دشوار می‌نماید مانند: نصیحت‌نامه خواجه‌عبدالله انصاری (به نظام‌الملک؟)، جام‌اسب‌نامه، فرخ‌نامه یونان دستور (نام یونان در مقام پیرِ خرد شش بار در نصيحة الملوك آمده است) و غیره، □ اندرزهای برگرفته از فرهنگ اسلامی، که در آنها به قرآن و سنت نبوی (احادیث) توجه بسیار می‌شود مانند آنچه در تحفة الملوك و قابوس‌نامه و طبیب‌القلوب و اخلاق ناصری آمده و غالباً از شهاب‌الاخبار (که مجموعه‌ای است از احادیث نبوی) مایه گرفته‌اند.

روایات هم نقش عمده‌ای در تدوین اندرزنامه‌های فارسی که مبنای کار را سیرة‌النبی قرار داده‌اند، داشته‌اند.

زندگی و رفتار و گفتار حضرت علی (ع) هم يك منبع عمده دیگر برای مؤلفان اندرزنامه‌های فارسی است. مسعودی، طبری، جاحظ و حتی فردوسی، هر کدام، بخشهایی از سخنان علی (ع) را - که مجموعه آنها به همت شریف رضی در نهج‌البلاغه گردآمده است - نقل کرده‌اند.

● باب دوم، کوششهایی در راه طبقه‌بندی متون (صفحه ۱۳۳ تا ۱۷۱).

□ همان‌گونه که يك باستان‌شناس عمل می‌کند پژوهنده متون اخلاقی فارسی هم باید هر متن را در محل و زمان خود قرار داده پس از آن به توصیف آن بپردازد. اما اشکال کار در این است که - صرف نظر از متون اخلاق فلسفی - متون اخلاقی حاوی اصطلاحاتی هستند که دارای تعریفهای دقیق‌معیّن نیستند، زیرا مؤلفان غالباً به اصطلاحات ادبی و صنایع بدیعی توسل جسته‌اند، و این امر تفسیر و تعریف آن اصطلاحات را ایجاب می‌کند.

دشواری دیگر از شیوه کار مؤلفان ناشی می‌شود: يك مؤلف گاه موظف می‌شود که فقط چهار یا چهل یا صد کلمه را تعریف

اخلاق است که تعریف مشخصی دارد و هرچند که هر نویسنده یا شاعر یا راوی از آن مفهوم خاصی را اراده می‌کند و همان را ارائه می‌دهد لکن در مجموع يك «معیار جهانی» بر همه آنها حکم فرماست.

□ در اینجا به بررسی یازده رساله پرداخته شده است که به دو دلیل می‌توان آنها را سنتی توصیف کرد: نخست اینکه محتوای همه آنها از اخلاقیات مجموعه اندرزه‌های کهن نشأت می‌گیرد هرچند که این محتوا به سلیقه مؤلف سر و سامان می‌یابد. دلیل دوم شیوه کار مؤلفان است. بدین معنی که موضوع کارشان را خودشان برمی‌گزینند و خواسته یا تحمیل دیگران نیست. شکل بندی مجموعه هر رساله کاملاً بستگی به معرفت سنتی عصر دارد و لذا گاه فاقد همبستگی موضوعی میان فصول رساله است، که این خود نشانه اصالت آن است. موضوعات اصلی این رساله‌ها عبارتند از: مکارم اخلاق و جوانمردی. و لذا اندرز صورت موعظه به خود می‌گیرد و از این هنگام به بعد است که مقامه‌پردازی به ادبیات راه می‌یابد و به صورت یکی از ابزارهای کارای اخلاق درمی‌آید... از اینجا به بعد بررسی موشکافانه رساله‌های زیر آغاز می‌شود:

□ قابوسنامه (مؤلف آن، تفکر شخصی و فرهنگ سنتی او، انسان اخلاقی از نظر کیکائوس، مرد عاقل از نظر او، اخلاق ارباب خانه، روابط انسانی، پیشه‌ها و جامعه، موقیبت امیر، چگونه انسان انسان می‌شود، عوامل تشکیل‌دهنده مفهوم جوانمردی، سلسله مراتب مردان در عالم جوانمردی، رفتار انسان جوانمرد، مقایسه قابوسنامه با تحفة الملوك)،

□ کیمیای سعادت (يك اثر کلاسیک در اخلاق مذهبی، شکل اخلاقی زاهدانه در اواخر قرن پنجم، نظر غزالی درباره زبان و نقایص آن، جایگاه اخلاق در کیمیای سعادت، رفتار انسان در جامعه از حیث اصول اخلاقی، تواناییهای روان، اخلاق در مقام جراح روان آدمی، نظر صوفیه نسبت به اخلاق، مقایسه کیمیای سعادت با تحفة الملوك)،

■ اخلاق از غزالی تا سعدی:

□ حدیقه الحقیقه سنایی (زندگی سنایی: صوفی و شاعر مردم‌دار، پیام اخلاقی او)،

□ بحر الفوائد (يك دایرة المعارف معرفت اخلاقی و مذهبی، طبقه‌بندی مشخص رسایل اخلاقی)،

□ مخزن الاسرار نظامی (نظامی مظهر فرهنگ صرفاً اخلاقی فارسی، شخصیتها در اثر نظامی)،

■ سه رساله با سه شیوه مشخص:

□ مکارم الاخلاق از رضی الدین ابو جعفر محمد نیشابوری،

□ فراید السلوك از اسحاق بن ابراهیم غانم الطایبی،

است، هرچند که میان کلمات قصار با ضرب‌المثلها فرقی نگذاشته است (کار جدا کردن این دوشاخه از اخلاقیات در سده یازدهم هجری توسط محمدعلی حبله‌رودی در مجمع الامثال انجام می‌گیرد).

□ در این عصر از يك طرف دامنه اصطلاحات گسترش می‌یابد: افسانه، افسون، تمثیل، حکایت، داستان، روایت، مثل و غیره، و از طرف دیگر هنر تدوین مجموعه‌ها با جوامع الحکایات و لوامع الروایات عوفی به اوج اعتلا می‌رسد. اهمیت این کتاب در نشان دادن این نکته است که چگونه يك نوع ادبی خاص که تنوخی در مورد خاصی از آن استفاده می‌کرد، اکنون در محل و به منظور دیگری به کار گرفته می‌شود و تخیل و رؤیا جای خود را به واقعیت‌های زندگی می‌دهد.

□ در واقع مجموعه‌هایی از اندرزه‌هاست که در آنها هر اندرز روایت ساده يك واقعه است و لذا صراحت، فشرده‌گی، جدی بودن و تأثیر ضرب‌المثل یا کلمات قصار را ندارد. در اینجا حکایت، ضرب‌المثل، کلمات قصار و مانند آن در هم آمیخته می‌شوند و بیشترین فرآورده‌های ادبی ذهن فعال آدمی را پدید می‌آورند. نمونه والای این نوع ادبی کتاب صد باب‌های است که گویا در اخلاق نام داشته است و یا آداب الحرب والشجاعه محمدبن مبارکشاه که چهل باب دارد. اما نمونه ناب این نوع ادبی تحفة الملوك و نصیحة العجایب علی بن ابی حفص اصفهانی است که در اوج بلوغ این نوع ادبی نوشته شده است: نویسنده آن به همه متونی که سراغ داشته (و غالباً بسیار کهن بوده‌اند) مراجعه کرده و از آنها آنچه را بهتر دیده و پسندیده برگرفته و بدانها سامان داده است. و اینکه در اینجا به تفصیل از آن سخن می‌رود از آن روست که این کتاب مبین لحظه‌ای خاص در رشد و تحول اخلاق در زبان فارسی است و در واقع يك نوع ادبی خاص، یعنی نوع مجموعه‌های اخلاقی، بدان پایان می‌پذیرد، هرچند که از لحاظ کیفیت در رأس آنها جای دارد.

● باب سوم، رساله‌های اخلاقی سنتی (صفحه ۱۷۳ تا ۳۵۵).

□ برای شناختن تحول نوع ادبی متون، بایستی آنها را بر طبق تاریخ تحریرشان مرتب و بررسی کرد زیرا با اخلاق به صورت يك سنت زنده سروکار داریم: موضوع اصلی این رساله‌ها

□ بریدالسعادة از محمد قاضی ملطیاوی،

□ المفید للمُستفید، منتسب به امام محمد غزالی، که تحقیقی

است در باب اثرات آگاهی به این امر که انسان از جسم و روح تشکیل شده است، و رستگاری انسان در این است که عارف عاقل بشود و به جوهر معرفت دست یابد.

□ اوج تحول این نوع ادبی به صورت گلستان و بوستان جلوه می‌کند (زندگی و آثار سعدی، جایگاه حکیم و قدرت او، شخصیت‌های نمونه، زبان قانع‌کننده سعدی، اخلاق عمومی: اندرز به دارا و نادار).

□ اخلاقیات خاص مثل آموزش نوجوانان (فرزندنامه غزالی)، راه و رسم تصوف (صوفی‌نامه منصور بن اردشیر العبّادی و گزیده طاهر بن محمد الخانقاهی و اوصاف الاشراف خواجه نصیر و نوشته‌های نجم‌الدین کبری و مثنوی مولوی، ...) و آیین عیاری (فصل چهل و چهارم قابوسنامه و کتاب سمک عیاری).

● باب چهارم در مرآة السلاطین‌ها (صفحه ۳۵۷ تا ۴۴۰).

□ مقدمه در اینکه کتابهایی که عنوان مرآة السلاطین دارند با توجه به هنر حکومت نوشته شده‌اند و ادبیات فارسی وسیعاً به این هنر توجه کرده است. محور اصلی محتوای این رساله‌ها تأمین و تضمین رفاه و راحت مردم است. به همین دلیل در این زمینه کتابهای بسیاری نوشته شده است از قبیل کلیله و دمنه، سند - بادنامه، بختیارنامه، مرزبان‌نامه، ... اصولاً در آثار همه متفکران ایرانی اشارتهایی به حکومت و آداب آن هست. اما در اینجا دو کتاب عمده یعنی سیرالملوک خواجه نظام‌الملک و نصیحة الملوک امام محمد غزالی مورد بررسی قرار گرفته است.

□ اما پیش از آن باید یادآوری کرد که مرآة السلاطین‌ها در اخلاق سنتی جایگاه خاص دارند. تقریباً در همه کتابهایی که تاکنون نامشان برده شده سلطان یا امیر حضور دارد. و این از آن رو است که مؤلفان به قدرت نفوذ اینان بر روی فرهنگ جامعه آگاهی دارند و خوب می‌دانند که الناس علی دین ملوکهم. لذا می‌کوشند که با متخلق کردن سلطان به اخلاق حسنه، جامعه را به سوی اخلاق سوق دهند. در این رسایل، اخلاق عمدتاً معنای سیاست به خود می‌گیرد، و در نتیجه از طریق بررسی آنها هم به شیوه حکومت در هر زمان و هم به فلسفه و تفکر سیاسی آن عصر آگاه می‌شویم. این شیوه تألیف از سنت بسیار کهنی سرچشمه می‌گیرد که حتی افلاطون را هم متأثر کرده بوده و تاروزگار کانت تداوم داشته است.

□ نگاهی به نوشته‌های اخلاقی عربی مرتبط با حاکم و امیر (سیاسة مدنیة فارابی، آداب الملوک ثعالبی، العقد الفرید عبدربه، مختارالحکم ابن فاتک و غیرهم) هم مزید فایده است و هم نشانگر تداوم این شیوه اخلاقی در میان مسلمانان و هم باز

نماینده پیوند موجود میان تفکر سیاسی اعراب و ایرانیان.

□ در عین حال پیش از آنکه به دو اثر نمونه و برگزیده در اخلاق سیاسی فارسی برسیم باید از دو مرآة السلاطین قدیمی یعنی پندنامه سبکتکین و آداب سلطنت و وزارت یاد کنیم.

□ سیرالملوک خواجه نظام‌الملک یک مرآة السلاطین نمونه است (و در بررسی آن شرح احوال خواجه، تیویب کتاب و موضوعات آن و نیز تأثیری که بر متأخران داشته، مورد توجه قرار می‌گیرد).

□ نصیحة الملوک غزالی یک رساله اخلاق سیاسی است (و در بررسی آن به منابع کتاب و شکل تألیف آن، سلطان و عدالت، نیکوکاری و عظمت سلطان، وزیر در مقام مشاور و ناصح سلطان، مفهوم همت، حکمتی که همیشه به کار می‌آید، جایگاه زنان و غیره پرداخته می‌شود).

□ و در پایان فصل تاریخچه پیدایی و تحول امر تألیف مرآة السلاطین‌ها (کتابهایی چون کلیله و دمنه، سندباد نامه، بختیارنامه، جامع العلوم، مرزبان‌نامه، ساز و پیرایه شاهان پرمایه، خلافت نامه الهی، ...) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

● باب پنجم، علم اخلاق یا فلسفه اخلاق و اخلاقیات (صفحه ۴۴۱ تا ۴۵۳).

□ نتیجه‌گیری در زمینه تعریف علم اخلاق در مقایسه با اخلاقیات سنتی.

□ وضعیت اخلاق فلسفی در قرن هفتم (دسته‌بندی سه گانه رسایل اخلاق اصولی).

□ اخلاق سنتی در ادبیات فارسی تا قرن هفتم (مفاهیم تشکیل دهنده اخلاقیات، داده‌های خارجی در رابطه با انسان اخلاقی، اخلاق تحمیل شده بر انسان، پاسخ انسان به داده‌های خارجی و اخلاقی، اثرات زندگی اخلاقی بر انسان).

● پیوستها (جدولهای تطبیقی اندرزننامه‌های انوشیروان و بزرگمهر، اندرزننامه افلاطون، تاریخچه انتقال متون از خداینامه تا نهايةالارب فی اخبار الفرس والعرب، طرح کلی اخلاق ناصری، ...).

● فهرستها (علایم اختصاری، موضوعات، نامهای خاص، مطالب کتاب، انتشارات انجمن ایرانشناسی فرانسه).

*

این بود خلاصه آنچه در این کتاب آمده است. اما اخلاقیات يك كتاب ساده نیست بلکه في الواقع يك دایرةالمعارف عظیم است که تقریباً همه رساله‌ها و کتابهای اخلاقی فارسی را ردیابی، شناسایی، معرفی و تجزیه و تحلیل می‌کند. همچنانکه مؤلف دانشمند آن در پیشگفتار فارسی کتاب تصریح کرده است:

در کتابخانه‌های ایران و ترکیه نسخ دستنوشته و متون چاپی بزرگ و کوچک بسیاری یافتیم. اساس کاوش من بر پنجاه و پنج متن اصلی استوار است و از بیست و پنج متن دیگر جابه‌جا بهره گرفته‌ام. علاوه بر این، در بطن تاریخ حجمی از متون، شصت و پنج متن را بازشناخته و معرفی کرده‌ام. من در برابر حجم عظیمی از اسناد و متون با محتوایی مکرر قرار داشتم و می‌بایست برای بازنمایاندن آنچه به نظرم زیربنای اندیشه اخلاقی فارسی در سده‌های نخستین تجلی آن می‌نمود، تمامی این حجم را مورد بررسی قرار می‌دادم.

مؤلف در این کار که مستلزم مراجعه به صدها مرجع کهنه و نو بوده کاملاً موفق بوده است. بویژه که ضمن بررسی خود راز جاودانگی ادبیات اخلاقی فارسی را درمی‌یابد که:

قسمت اساسی اخلاقیات فارسی تا سده هفتم به صورت پند و اندرز است. این گونه اخلاق، راهنماست، مشوق است و کوشش در متقاعد کردن دارد. اما هرگز به تلخی

نمی‌گراید و در تنگنا نمی‌گذارد. با اینهمه، جنبه سنتی آن یعنی دارا بودن مضامین تکراری طی چندین نسل و ارجاع به شخصیت‌های معتبر، به بُرد آن در ادغام فرد در جامعه در چارچوب ضوابط و ارزشهای آن جامعه می‌افزاید. البته نباید از یاد بُرد که اینجا سروکار با اخلاق است. یعنی اثبات اختیار و نفی جبر: انسان باید در اراده و انتخابش ایستادگی به خرج دهد... [چه که] در متون فارسی مورد نظر، انسان با اخلاق انسانی هشیار است. انسان بی‌اخلاق در غفلت به سر می‌برد، همه چیز او را غافلگیر می‌کند و در تنگنا می‌گذارد. کلام اخلاقی فارسی تکیه بر عقل دارد: عقلی که نه تنها يك فضیلت معنوی است بلکه معیاری است که در راه آینده به گذشته نظر دارد. و در هر حال نوعی رندی و مهارت است که با موقعیتها و روابط انسانی به بازی می‌پردازد.

سخن نیز به نوبه خود میدان کارکرد اخلاق است. سخن قدرت است. سخن بد می‌تواند مهلك باشد. سخن نيك انسان ساز و جامعه‌پرداز است...

به این ترتیب در کتاب اخلاقیات با جهانی از مفاهیم و موضوعاتی که در قلمرو اخلاق، عقل و سخن قرار می‌گیرند، سروکار می‌یابیم و به نکات نو در تاریخ متون فارسی پی می‌بریم و عالمی جز آنچه تاکنون از ادبیات می‌شناخته‌ایم کشف می‌کنیم. کوشش نویسنده کوشا، جستجوگر، ژرف‌نگر و در عین حال فروتن این کتاب کم مانند درخور ستایش است.

مرکز نشر دانشگاهی منتشر کرده است

- کاربرد روان‌شناسی در آموزش (جلد اول)
تألیف رابرت بیلر
ترجمه پروین کدیور
- ترمودینامیک آماری
تألیف دونالد. ا. مک کواری
ترجمه غلامعباس رجبعلی
- بررسی آماری وضعیت ارضی ایران در شش استان
تألیف خسرو خسروی
- نظریه آمار (جلد اول)
تألیف برنارد. لیندگرن
ترجمه ابوالقاسم بزرگ نیا
- دین و دولت در ایران عهد مغول
تألیف دکتر شیرین بیانی